خراسان روزنامه صبح ایران
یک‌شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۶ . ۱۷ جمادی‌الاول ۱۴۳۹ . شماره ۱۹۷۵۰

جمیز بیل محقق آمریکایی می نویسد: در دوره پهلوی، ۴۰ خانوار وجود داشت که در مجموع ۴۰۰ کرسی مجلس را در طول ۵۰ سال در اختیار داشتند. یعنی به طور متوسط هر یک از خانواده‌ها، بیش از چهار کرسی، همچنین در طول دو دهه، ۱۲ نخست‌وزیر در ایران به قدرت رسیدند که نیمی از آن‌ها از اعضای این ۴۰ خانواده بوده‌اند.

۴۰ خانواده، ۴۰۰ کرسی مجلس، ۶ نخست‌وزیر!

بررسی تطبیقی ساختار، نهادهای تصمیم گیر و نقش قدرت های خارجی و مردم در سرنوشت ایران پیش و پس از انقلاب اسلامی

ورود مردم به عرصه تصمیم‌گیری کشور

دموکراسی، از تعبیر آن به «سراب» توسط محمدرضا پهلوی تا مشارکت مردم در انتخاب مسئولان کشور

طاهری
info@khorasannews.com

همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی و پایان حکومت سلطنتی پهلوی، عرصه های گوناگون کشور دچار تغییر و تحول شد. در این مقاله سعی خواهیم کرد تا به فضا و نظام سیاسی داخلی ایران در دوران پیش و پس از انقلاب اسلامی برشی بزنیم و با نگاهی به آرمان ها و شعارهای انقلاب، وضعیت موجود در کشور را نیز در برخی محورها با اهداف متعالی انقلاب بررسی کنیم.

ساختار سیاسی نظام پهلوی دوم

در یک نمای کلی نظام سیاسی در دوره پهلوی دوم از نوع نظام سیاسی فردی و قدرت در دست شاه متمرکز بود. به گونه ای که این قدرت به شیوه استبدادی-سلطنتی اعمال می شد و شاه، هسته مرکزی منظومه قدرت به شمار می رفت و دیگر نخبگان در درجات پایین تر قدرت قرار داشتند. هر چند شکل حکومت در دوران محمدرضا شاه از نظر رسمی و قانونی سلطنت مشروطه بود، اما بررسی کارکردی آن نشان می دهد که توصیف صرفا قانونی از ساختار نظام سیاسی ناکافی است. صرف تجزیه و تحلیل رسمی ساخت نظام سیاسی که منشأ آن قانون اساسی مشروطه است چهره واقعی قدرت را نشان نمی دهد. بنابراین باید مواردی مثل ساختار غیر رسمی و به تبع آن اعمال قدرت توسط گروه های غیر رسمی بر این ساختارها را مدنظر قرار داد. هر چند شکل قانونی حکومت مبتنی بر تفکیک قوای سه گانه بود اما در عمل قانون اساسی به ابزاری در دست شاه تبدیل شد. در عمل تمییز میان اختیارات شاه و قوای مقننه، قضاییه و مجریه دشوار بود. همه تصمیمات مهم با فرمان های شاه ابلاغ می شد و در تمام جنبه های عمده سیاست گذاری، شاه نقش محوری ایفا می کرد. کل نظام بر پایه نهادهایی بنا شده بود که همه در حول محور شخص شاه متمرکز بود. نخست وزیران را انحصارا شاه منصوب می کرد، مجلس و انتخابات های آن به رغم حقوق و اختیارات مصرح در قانون اساسی فقط نقشی نمایشی داشت. بنابراین نخست وزیر و کابینه ابزاری برای اجرای تصمیمات شاه بود و نه خواست مردم. مارک گازیوروسکی استاد آمریکایی گروه علوم سیاسی دانشگاه ایالتی لوئیزیانا در باره نقش محوری شاه در کنترل مقامات مختلف نوشته است: «شاه در صدد برآمد که وفاداری مقام های حکومتی را از راه پرداخت حقوق و مزایای خوب به آن ها و تحمل فساد این مقام ها نسبت به خودش جلب کند؛ و نیروهای امنیتی و گونه ای «کابینه سایه ای» را که شامل مشاوران نزدیکش بودند، برای نظارت بر وفاداری و جلب توجه مقام های حکومتی، به کار گرفت. این اقدامات سبب کنترل گسترده شخص شاه بر مقام های حکومتی شد». (گازیوروسکی، ۱۳۷۳:۳۲۸) محمدرضا پهلوی نیز خود در سخنانی حکومت خود را این گونه توصیف می کرد: «بعضی مرا پادشاه مشروطه متمایل به دیکتاتوری خوانده اند، برخی عقیده داشتند که رویه من در کار سخت تر باشد مانند پدرم مطلق العنان باشم، ولی من بین این دو رویه، یعنی شاه متمایل به دیکتاتوری و دیکتاتوری مطلق العنان رویه دیگری به وجود آورده ام». (پهلوی، ۱۳۵۵:۱۶) او حتی در آخرین کتاب خود به صراحت بر نفی دموکراسی تأکید کرد: «حکومت دموکراتیک در ایران سرابی بیش نبود، ما ناگزیر بودیم که راه خود را انتخاب کنیم. انتخاب ما میان استبداد و حکومت مطلقه بود». (پهلوی، ۱۳۸۳:۳۱۶) امیر عباس هویدا نیز که از چهره های نزدیک به شاه و برای مدت طولانی نخست وزیر محمدرضا پهلوی بود، در مصاحبه با یک نویسنده آمریکایی در اعتراض به روش کشورهای غربی در تصمیم گیری ها گفته بود: «در کشورهای غربی، شما درباره هر مسئله ای زیاد بحث و گفت و گو می کنید؛ و موضوع را از یک کمیسیون به کمیسیون دیگر، ارجاع می کنید. در این جا، ما فقط به حضور شاه می رویم و سپس عمل می کنیم»! (شوکراس، ۱۳۶۹:۲۶۶)

محافل و اشخاص تصمیم ساز

ساخت قدرت در جامعه ایران در دوره پهلوی نه تنها مبتنی بر روابط قدرت شخصی بود بلکه موجب نهادزدایی از سیاست و گسترش روابط شخصی و غیر رسمی شدن فرایندهای سیاسی نیز می شد. طبعا چنین ساخت قدرتی موجب پیدایش باندها و گروه های قدرت طلب در حول مراکز مهم تصمیم گیری یا شخصیت های قدرتمند می شد. چنین باندهایی معمولا مترصد فرصت های مناسب برای رسیدن به قدرت بودند و از طریق علایق اعضای خود حمایت می شدند. در نتیجه شبکه ای از روابط شخصی به جای مشارکت و رقابت نهادمند مستقر می شد که به نحو فزاینده ای فضای سیاسی را شخصی می ساخت. بر اساس تحقیق های صورت گرفته در خصوص تاریخ پهلوی دوم، گروه های غیر رسمی که در ساخت قدرت سیاسی در دوره پهلوی دوم اعمال قدرت می کردند، بیشتر شامل سه دسته بودند: ۱- خانواده ها و ارتباط آن ها با دربار ۲- دوره ها و محفل ها (از غندی، ۱۳۷۶:۱۴۸) ۳- اعضای خانواده سلطنتی. در بین اعضای خانواده سلطنتی دو تن - فرح و اشرف پهلوی - بیش از دیگران در امور سیاسی و اجتماعی مؤثر بودند و هریک از آن ها نیز با ایجاد باندهای هوادار در داخل ساخت قدرت، منافع خویش را حفظ می کردند. در سال های سلطنت پهلوی دوم در محفل درونی شاه علاوه بر اشرف و فرح، خواهر و همسر شاه که هر دو به عنوان نماینده خانواده سلطنتی دوره های بسیار بانفوذ، امکانات مالی و کارکنانی زیاد و سازمان های گسترده تحت نظر خود داشتند، دوره های متعدد دیگری وجود داشت که برای اعمال قدرت در خط مشی سیاسی درصدد نفوذ سیاسی بودند. از جمله می توان از دوره منصور، گروه مترقی آرامش، دوره امینی، انجمن دوستان سید جعفر بهبهانی، دوره حسین فردوست و دوره منوچهر اقبال نام برد. (از غندی، ۱۵۶-۱۵۷: ۱۳۷۶) این باندها و دسته بندی ها از طریق کانال های ارتباطی که با شاه داشتند، تلاش می کردند منافع گروهی و باندی خود را از طریق تأثیر گذاری بر تصمیم و نظروری تأمین کنند و شاه نیز با توجه به اختلافات موجود بین این دسته بندی ها، ضمن دامن زدن به اختلافات موجود بین آن ها، قدرت شخصی اش را بر فراز همه آن ها اعمال می کرد.

وابستگی خارجی

زمامداری سلسله پهلوی ها بر ایران با دخالت قدرت های خارجی آغاز شد. در سرسپردگی رضاخان در برابر انگلیس، همین بس که چرچیل و روزولت در کنفرانس تهران، درباره او چنین اعتراف کردند: «خودمان او را آوردیم و خودمان او را برداشتیم». (فاروقی و لوورید، ۱۳۸۵:۲۸) محمدرضا شاه نیز به قدرت رسیدن و بقای حکومت خویش را مدیون بیگانگان می دانست؛ چنان که روزنامه نیویورک تایمز چنین نوشت: «پس از کودتا [۲۸ مرداد ۱۳۳۲]، شاه گیلاس خود را با تعارف به کرمیت روزولت، رئیس (وقت) بخش سیا در خاور میانه برداشت و گفت: من تاج و تخت خود را به خدا، مردم کشورم، ارتشم و شما مدیونم» (گازیوروسکی، ۱۳۷۳:۲۸) در حقیقت، ایران در دوره پهلوی ها، حیاط خلوت و منطقه نفوذ قدرت های جهانی بود. آن ها در عزل و نصب مقامات ارشد، نمایندگان مجلس، تصویب یا رد لوایح و قوانین، سیاست گذاری ها و ... نقشی آشکار و پنهان داشتند و آمریکا به عنوان قدرتمندترین حامی وی، در برخورد با مسائل گوناگون محسوب می شد. (زونیس، ۱۳۷۰:۳۵۰) علاوه بر صدها سند درباره دخالت های مستقیم و غیر مستقیم بیگانگان در کشور در دوران شاه، تأسیس ساواک برای دستگیری و شکنجه نیروهای مردمی و انقلابی از جمله هدایای آمریکایی ها به مهره خود در ایران بود. حسین فردوست در خاطرات خود در این باره می گوید: «پس از ۲۸ مرداد ۳۲، که آمریکایی ها با قدرت تمام وارد صحنه شدند و تصمیم گرفتند ایران را به عنوان پایگاه اصلی خود در منطقه حفظ کنند، در درجه اول به ایجاد دستگاه ضد اطلاعات ارتش و تقویت آن و در درجه دوم به تأسیس سازمان امنیت کشور (ساواک) پرداختند.» (فردوست، ۱۳۷۴:۳۸۲)

۴۰ خانواده، ۴۰۰ کرسی مجلس، ۶ نخست وزیر!

جمیز بیل محقق سیاسی آمریکایی در کتابی با عنوان الگوی روابط قدرت در نخبگان سیاسی ایران: نظام پدرسالاری طبقاتی در ایران که در سال ۱۳۵۳ نوشته شده است، تأکید می کند: در دوره پهلوی، ۴۰ خانوار وجود داشت که در مجموع ۴۰۰ کرسی مجلس را در طول ۵۰ سال در اختیار داشتند. یعنی به طور متوسط هر یک از خانواده ها، بیش از چهار کرسی، همچنین در طول دو دهه، ۱۲ نخست وزیر در ایران به قدرت رسیدند که نیمی از آن ها از اعضای این ۴۰ خانواده بوده اند. (بیل، ۱۳۸۳:۱۵۳) نخبگان جدید، تنها با برقراری رابطه با همین خانواده ها می توانستند امیدوار باشند که به قدرت خواهند رسید.

ایجاد احزاب دست نشانده

در دوران پهلوی دوم شاه همان طور که بالاتر آمد معتقد بود که «حکومت دموکراتیک در ایران سرابی بیش نیست» به صورت مستقیم یا غیر مستقیم دست به ایجاد احزاب در کشور می زد. البته حزب نه برای دموکراسی که او آن را برای ایران سراب می دانست بلکه حزب برای تثبیت قدرت خود. به عنوان مثال حزب مردم در سال ۱۳۳۶ رسماً فعالیت خود را آغاز کرد و اسدا... علم از چهره های نزدیک به محمدرضا دبیر کل این حزب شد. علم درباره علل ایجاد حزب و اهداف آن می گوید: «حزب مردم برای تجسم و تقدس نیت پاک وطن خواهانه و آزادمنشانه شخص اعلی حضرت محمدرضا پهلوی به وجود آمد. ما می خواستیم با تشکیل این حزب از شاهنشاه دموکرات منش خود سپاس گزاری کنیم و حزب مردم به عنوان یک مکتب شاه دوستی آماده هر گونه جانبازی در راه نیات شاهنشاه است.» این حزب پس از چندی دچار چند دستگی و شکست شد. پس از آن منوچهر اقبال نخست وزیر، رسماً در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۳۶ فعالیت سیاسی حزب ملیون را اعلام کرد. هنگامی که دو حزب دولتی مردم و ملیون به دلیل تقلب های انتخاباتی سال ۱۳۳۹ اعتبار خود را از دست دادند، محمدرضا شاه به ایجاد یک حزب جدید به نام «ایران نوین» مبادرت ورزید. شاه زمانی که عملکرد احزاب مردم، ملیون و ایران نوین را در جلب مشارکت مردم و نمایش دموکراسی بی فایده دید، برای پر کردن خلأ سیاسی و تشکیلاتی دستور تأسیس حزب فرمایشی رستاخیز را صادر کرد. (از غندی، ۱۳۸۲:۲۸۰-۲۸۱)

مطبوعات؛ از ممیزی توسط ساواک تا اعمال نفوذ سفارت آمریکا

وضعیت مطبوعات در دوره پهلوی نیز به رغم فراز و فرودهایی که داشت، چندان آزاد نبود. «ماشاءا... شمس الواعظین»، روزنامه نگار اصلاح طلب در گفت و گویی که چندی پیش با روزنامه شرق داشت درباره فضای مطبوعات در دوران پیش از انقلاب گفت: «پیش از انقلاب ممیزی به صورت مستقیم بود؛ اعضای ساواک در روزنامه ها می نشستند و گزارش ها و اخبار را می خواندند و بعد از این که ممیزی پاسخ مثبت می داد به چاپ می رفت.» علاوه بر دخالت مستقیم نیروهای امنیتی رژیم پهلوی بر مطبوعات، نیروهای خارجی نیز بر مطبوعات داخلی اعمال نفوذ می کردند. بر اساس گزارش های محرمانه شهربانی هنگامی که روزنامه ای در پایتخت مجال آن را می یافت که از عملکرد آمریکاییان در ایران انتقاد کند، سفارت آمریکا در تهران قدرت آن را داشت که آن روزنامه را خارج از ضوابط قانونی توقیف کند. (تفرشی، ۱۳۷۱)

انتخاب مستقیم و غیر مستقیم همه مسئولان در جمهوری اسلامی

اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شرایط ناگهان عوض شد و مردم که تا ۲۱ بهمن ۵۷ هیچ ارزشی برای حکومت پهلوی نداشتند و لحاظ کردن نظر مردم در حکومت داری از دیدگاه شاه «سراب» بود، از ۲۲ بهمن بر سرنوشت ایران حاکم شدند. اولین ظهور و بروز نقش مستقیم مردم در سرنوشت خود، در انتخابات همه پرسی درباره تشکیل حکومت جمهوری اسلامی نمودار شد. جایی که در روزهای ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ همه پرسی در سراسر کشور برگزار شد و بیش از ۹۸ درصد مردم موافقت خود را با تشکیل نظام جمهوری اسلامی اعلام کردند و روز اعلام نتیجه همه پرسی به عنوان روز جمهوری اسلامی در تقویم ملی به ثبت رسید. پس از آن نیز مردم در مرداد همان سال اعضای خبرگان قانون اساسی را برای نگارش و تدوین قانون اساسی انتخاب کردند. در سومین انتخابات پس از پایان پهلوی دوم، مردم ایران پس از چهار ماه بار دیگر در یک انتخابات عمومی به قانون اساسی رأی مثبت دادند. مشارکت هایی که ثابت می کرد، دموکراسی یا اداره حکومت براساس نظر مردم نه «سراب» بلکه حقیقتی بود که سلسله های پادشاهی هزاران سال آن را از مردم ایران دریغ کرده بودند. نقش مردم در حکومت پس از ۲۲ بهمن تا آن جا بود که بر اساس قانون اساسی، همه مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران به صورت مستقیم یا غیر مستقیم توسط مردم برگزیده می شوند. از انتخاب غیر مستقیم رهبری گرفته تا انتخاب مستقیم رئیس جمهور، نمایندگان مجلس، ده ها هزار نفر اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا. بر این اساس تاکنون در کشور ۳۶ انتخابات برگزار شده است. این آمار علاوه بر همه پرسی نظام جمهوری اسلامی و خبرگان قانون اساسی و تأیید این قانون، ۱۰ دوره انتخابات مجلس، ۱۲ دوره انتخابات ریاست جمهوری و پنج دوره انتخابات شوراها را در بر می گیرد. در آخرین دوره انتخابات در سال ۹۶، میزان مشارکت مردم در انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری حدود ۷۳ درصد بود. بر اساس گفته رئیس هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات پنجمین دوره شوراهای شهر و روستا ۱۲۷ هزار و ۶۱۰ کرسی برای سیاست گذاران شهر و روستا (اعضای شوراهای شهر و روستا) در کشور وجود دارد که در انتخابات دوره اخیر ۲۶۵ هزار و ۴۲۰ نفر برای تصاحب این کرسی ها با یکدیگر رقابت کردند. به این ترتیب مردمی که تا ۲۱ بهمن ۵۷ حق مشارکت در سرنوشت کشور خود را نداشتند، در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از زن و مرد روستایی و شهری در کلان شهرها و مناطق دور افتاده با رای برابر به طور متوسط هر سال تقریبا یک بار پای صندوق رای رفته و نمایندگان خود را برای به دست گرفتن امور اجرایی و تصمیم گیری و تصمیم سازی کشورشان، انتخاب کرده اند تا باز هم مهر بطلانی باشد بر نظریه محمدرضا شاه که معتقد بود در ایران دموکراسی یعنی سراب!

افزایش مشارکت همگانی در دوران انقلاب

علاوه بر انتخابات های سراسری در کشور نمونه های دیگری از جلوه های مشارکت مردمی در امور جاری کشور و اصناف را نیز در کشور شاهد هستیم. افزایش شوراهای اسلامی کار، افزایش انجمن های صنفی کارگری و کارفرمایی، تأسیس انجمن های تخصصی و خانه های صنعت در استان ها، افزایش تعداد سازمان های غیر دولتی طرفدار محیط زیست و منابع طبیعی، تأسیس، تقویت و جهت دهی انجمن های علمی، شکل گیری صدها کانون فرهنگی-هنری و نیز شوراهای صنفی در دانشگاه ها با عضویت و مشارکت انتخاباتی دانشجویان، تشکیل انجمن های علمی-دانشجویی، تشکیل سازمان های غیر دولتی و پارلمان دانش آموزی کشور، تشکیل سازمان دانشجویی هلال احمر، افزایش تعداد کانون های بازنشستگان کشوری، افزایش تعداد کانون های بازنشستگی کارگری و کارفرمایی و دیگر امور فرهنگی به گسترش ظرفیت درونی نظام برای پذیرش تحولات سیاسی-اجتماعی و برآوردن تقاضاهای مشارکت سیاسی-اجتماعی جامعه متحول ایران در دهه اول انقلاب و بعد از آن انجامید (ترابی، ۱۳۹:۹۵) با این حال به نظر می رسد در این باره باید به نکته ای مهم توجه داشت.

جای خالی سازوکارهای قانونی برای نظارت مستقیم مردم بر مسئولان

با ایجاد سازوکارهای قانونی در کشور، مردم به صورت غیر مستقیم توسط مجلس و دیگر دستگاه ها بر مسئولان نظارت دارند اما به نظر می رسد نیاز است در کشور سازوکاری دقیق و شفاف برای نظارت مستقیم مردم بر منتخبان خود داشته باشند. بر اساس اصل هشتم قانون اساسی «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت» که می بایست قانون کیفیت آن را مشخص کند. همچنین در خصوص روش های مسالمت آمیز برگزاری تجمعات اعتراضی به برخی سیاست ها و قوانین و عملکردها، نیاز است تجدید نظرهایی صورت بگیرد. خوشبختانه در روزهای اخیر برخی از مسئولان در خصوص استفاده از اصل بیست و هفتم قانون اساسی درباره تشکیل اجتماعات و راهپیمایی های غیر مسلحانه اظهار نظر کرده اند که می تواند طلیعه شروع گفت و گو درباره این مسئله باشد.

تذکرات امام به مسئولان در منشور ۸ ماده ای

در خصوص آزادی های مدنی و فردی نیز کارنامه جمهوری اسلامی به رغم برخی از کاستی ها و ضعف ها قابل دفاع است اما دستورات و فرمایش های امام امت همچنان می تواند چراغ راه مسئولان در دست یابی به آرمان های اصلی انقلاب باشد. امام خمینی (ره) در آذر سال ۶۱ پیامی خطاب به مقامات قوه قضاییه و ارگان های اجرایی کشور صادر کردند که به عنوان فرمان ۸ ماده ای ایشان معروف شد. بنیان گذار کبیر انقلاب در بخشی از این پیام تصریح می کنند: «هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف کند یا احضار نماید، هر چند مدت توقیف کم باشد. توقیف یا احضار به عنف، جرم است و موجب تعزیر شرعی است.» امام خمینی (ره) در بخش دیگری از این فرمان تأکید می کنند: «هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن ها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید، یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند، یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد یا دنبال اسرار مردم باشد، و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده و لو برای یک نفر فاش کند. تمام این ها جرم [و] گناه است و بعضی از آن ها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبایر بسیار بزرگ است، و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آن ها موجب حد شرعی می باشد.» امام امت در ادامه این پیام می افزایند: «مؤکداً تذکر داده می شود که اگر برای کشف خانه های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آن جا با آلت لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدر برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند، چرا که اشاعه فحشا از بزرگترین گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید.» این فرمان ۸ ماده ای و مجموعه اصول قانون اساسی درباره حقوق شهروندی و قوانین موضوعه ای که طی این سال ها در این باره تصویب شده است به خوبی نشان دهنده رویکرد مردم محورانه و مبتنی بر حفظ حقوق شهروندی مردم در ساختار جمهوری اسلامی است هر چند در اجرای این اصول و قوانین قطعا کاستی هایی وجود دارد که باید رفع شود.

چالش های احزاب در ایران پس از انقلاب

متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی، بسیاری از جریان ها و احزاب سیاسی حتی آن ها که با ایدئولوژی انقلاب اسلامی نیز همراهی نداشتند، اجازه فعالیت پیدا کردند. در قانون اساسی کشورمان درباره فعالیت احزاب در کشور در اصل بیست و ششم آمده است: «احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آن ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن ها مجبور ساخت.» بر همین اساس احزاب و جریان های متنوعی با گرایش های مختلف در کشور ایجاد شد. اما پس از اندکی و با اقدامات غیر دموکراتیک و ایجاد ناامنی در کشور توسط برخی از جریان های چپ و منافقین، فضای سیاسی کشور تا حدودی محدودتر شد. شرایط خاص کشور در دوران جنگ تحمیلی نیز اجازه پرداختن به چالش های سیاست داخلی کشور را کمتر فراهم کرده بود. اما پس از پایان جنگ هنگامی که عده ای از روحانیون قصد ایجاد تشکلی جدید به موازات جامعه روحانیت را داشتند امام در پیام مهمی ضمن اشاره به اختلاف نظرهای مختلف در امور مختلف این اجازه را صادر کردند. ایشان در پیام خود تصریح می کنند: «طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضامی کند که نظرات اجتهادی-فقهی در زمینه های مختلف و لو مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد» به رغم آن که بر اساس فایل منتشر شده در روب سایت وزارت کشور بیش از ۲۲۰ حزب در کشور فعالیت می کنند اما آن طور که باید و شاید جایگاه احزاب در کشور مشخص نیست. البته قسمتی از این ایراد به فرهنگ سیاسی اجتماعی کشور باز می گردد اما در خصوص حمایت های قانونی از احزاب همچنان فعالان سیاسی گلایه دارند. اکنون که نظام جمهوری اسلامی وارد چهل سالگی خود شده است، می توان درباره نقش احزاب و الگوی مطلوب فعالیت جریانات سیاسی در کشور گفت و گو کرد.

وضعیت رسانه ها در دوران پس از انقلاب

در حوزه مطبوعات پس از انقلاب با وجود تحولات اوایل انقلاب و الزامات مربوط به وقوع جنگ تحمیلی این فعالیت دستخوش ضعف و فترت شد، اما متعاقب نوسازی فرهنگی-اجتماعی و آموزشی دوره سازندگی، عرصه مطبوعات تحول یافت. بر اساس آمار، تعداد مطبوعات ایران در اواخر دوره پهلوی به حدود ۲۰۰ مورد می رسید. با تدوین قانون اساسی و استقرار دولت ها پس از انقلاب اسلامی روند توسعه و گسترش مطبوعات در دهه اول انقلاب اسلامی به اوج خود رسید و در کنار نقد و انتقاد در حوزه های سیاسی، اجتماعی، دینی و اخلاقی، گسترش مطبوعات، یکی از مؤلفه های اصلی تحقق جامعه مدنی و توسعه سیاسی در دهه اول انقلاب اسلامی تلقی شد. (خواجه سروی، ۱۳۸۲:۳۳۹-۳۴۰)

بر اساس آماری که در سامانه جامع رسانه های کشور ارائه شده اکنون هشت هزار و ۴۲۰ رسانه در ایران مجوز دارند که این تعداد با میزان آن در اواخر دهه ۵۰ شمسی غیر قابل مقایسه است و نشان دهنده رویکرد انقلاب اسلامی به ایجاد فضای نقد و تحلیل و ارائه اخبار و اطلاعات به مردم و اهمیت قائل شدن به دیدگاه های مختلف در اداره کشور است.

منابع:
از غندی، علیرضا و مرادی جو علیجان، (۱۳۹۵) حلقه درونی قدرت در ساختار سیاسی حکومت پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۴۲)، پژوهش های سیاسی و بین المللی شماره ۲۷
از غندی، علیرضا (۱۳۷۶) ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، تهران: قومس
بیل، جیمز، (۱۳۸۳)، الگوی روابط قدرت در نخبگان سیاسی ایران، ترجمه مجید خسروی نیک، مجله فرهنگ اندیشه، سال سوم، شماره ۱۰
پهلوی، محمدرضا (۱۳۵۵)، مأموریت برای وطنم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
پهلوی، محمدرضا (۱۳۸۳) پاسخ به تاریخ، ترجمه حسین ابوترابیان، چاپ ۹، تهران: زریاب
ترابی، یوسف (۱۳۹۱)، اجماع نظر نخبگان سیاسی و توسعه در جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)
تفرشی، مجید، (۱۳۷۱)، گزارش های محرمانه شهربانی (۱۳۲۶-۱۳۲۴)، چاپ اول، سازمان اسناد ملی ایران، جلد ۲
خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۲)، رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
دلدم، اسکندر (۱۳۷۲)، زندگی و خاطرات امیر عباس هویدا، تهران: نشر گلفام
زونیس، ماروین (۱۳۷۰)، شکست شاهانه؛ ملاحظاتی درباره سقوط شاه، ترجمه اسماعیل زندوبتول سعیدی، تهران: نشر نور
شوکراس، ویلیام (۱۳۶۹)، آخرین سفر شاه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، چاپ ۲، تهران: نشر البرز
فاروقی، احمد و لوورید، ژان (۱۳۵۸)، ایران بر لبه شاه، ترجمه مهدی نراقی، تهران: امیرکبیر
فردوست، حسین (۱۳۷۴)، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴، ص ۳۸۲.
گازیوروسکی، مارک (۱۳۷۳)، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ایجاد یک حکومت سلطه پذیر در ایران، ترجمه جمشید زنگنه، چاپ ۲، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا

جدول سخت [شماره ۲۶۰]

طراح جدول: بیژن گورانی

افقی
۱- خودخواه- متصل- فقیر و تهیدست ۲- سفیدآذری- وسیله توزین- بندری در اوکراین- رساندن پیام ۳- شاه ساسانی و نوه اردشیر بابکان- به سن قانونی برای خدمت سربازی رسیده است- قیمت مطلوب- مقابل ۴- کشت به امید باران- به شك انداختن- شکل و صورت- از شبکه های تلویزیونی کشورمان ۵- اوضاع جوی- جثه، اندام- غیر قابل انکار- قلعه ای در شهرستان سراوان ۶- دامن بلند- از اختراعات ادیسون- شاعر پارسی گوی قهستانی ۷- تخم مرغ انگلیسی- صادق و صمیمی- پیوند زناشویی- کشوری در قاره سیاه در همسایگی دریای سرخ ۸- بیماری تنفسی- جلوس کرده- تجربه ها- به یکباره ۹- ضمیر جمع- فرمانی نظامی- گوشه ای در دستگاه نوا- مرهم ۱۰- از توابع استان یزد- مستقبل- هدیه چهره گشایی عروس- عنوانی برای سران قبایل ۱۱- رغبت و اشتیاق فراوان- سال پنجم ترکی- دست دراز کردن به سوی دیگران.

عمودی
۱- نام مادر کوروش هخامنشی- نادر و کمیاب ۲- نزدیك کردن- درشت هیکل و بدقواره ۳- باد بسیار گرم- دزد ۴- قطعی و حتمی- ویران کننده- فریبنده زادو فریبا بمیرد ۵- تکرار حرفی- امید بستن به خداوند- از پرندگان شکاری ۶- فرشته زرتشتی ۷- طبیب- نقاب ۸- روزانه- عنوان هر یك از پادشاهان ساسانی ۹- مدافع موکل- دالانه ۱۰- از بلایای طبیعی- مواد معدنی فلزدار- مادر ورزش ها ۱۱- لنگه بار- گیاهی علفی از تیره گندمیان- بنده ۱۲- نوعی آش سرکه- نوعی شیرینی ۱۳- خاك- سنگ تراشی ۱۴- دست دراز کردن- تخمک ۱۵- جوهر روناس ۱۶- گودال- گریزان- مگابایت ۱۷- مهمترین عامل در پراکندگی و شکل گیری روستاهای ایران- گل شب بو- یك حرف و سه حرف ۱۸- از ملزومات ماهیگیری- دست محبت بر سر او بکشید ۱۹- مأمور رسیدگی و بررسی چگونگی انجام کاری- گوشه ای در افشاری ۲۰- لقب خواجه سرایان- مجموعه داستانی نوشته احمد محمود.

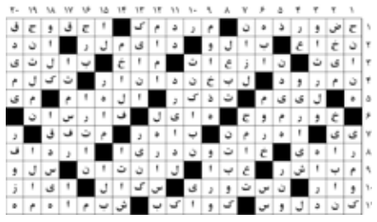

حل جدول شماره ۲۵۹

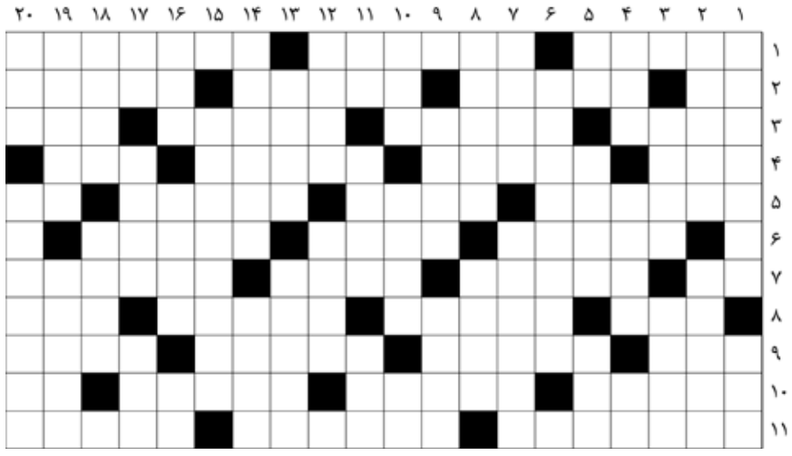

جدول متوسط [شماره ۷۰۴۷]

طراح جدول: مریم احمدی

افقی: ۱- چهارمین سوره قرآن کریم- از معضلات زندگی شهرنشینی- خودکار سازی ۲- خانه ییلاقی- وجاهت- روح- اختر ۳- اگر حروفش مرتب شود به معنی رزمایش است- تکرار حرف- بازرگان- بختك ۴- سالم- جوهر- علامت مفعولی- ابزار نجاری ۵- ابله- پیامبر نقاش- مصون- صومعه ۶- آب روستایی- نسل- ابزاری برای انتقال پیام- مادر لر ۷- اعتبار- سرزمین- آهسته- جاندار تك سلولی ۸- تباه- بی مو- قوس- از ادوات جنگی قدیمی ۹- پایان- شیون- صدای پاره شدن پارچه- ناگزیر ۱۰- مقعر- نوعی سنگ سخت- آب فرنگی- شب ۱۱- پاتولوژی- آشنایان ره بدین معنی برند / در سرای خاص ..... نیست- خبر

عمودی: ۱- بانگ- زنخدان- مکان ۲- خو- شامخ ۳- کلبه- میمون خارجی ۴- ماده ای همانند کاهگل یا سیمان که روی بام یا دیوار مالیده شود- رساله ۵- رفوزه- ذکاوت ۶- ردیف- اتحادیه کارگری ۷- غذای تخم مرغی- دارایی- کتف ۸- پیش بینی طالع- خزنده گزنده- مردم ۹- پهلوان- اسباب منزل- موثر ۱۰- قطار- دیکته ۱۱- رشته کوهی در آمریکای شمالی- طریق ۱۲- واجب ترین- دهان- تعجب زنانه ۱۳- تیره- رنج- همسایه ۱۴- درخت زبان گنجشک- شن- چراگاه ۱۵- خوشگذران- بینش ۱۶- خمیازه- شهرت طلب ۱۷- مثلث- بازی پایانی ۱۸- پادشاه- لامذهب ۱۹- محکم- چارچوب ۲۰- برج داستانی- بیم- آزاد

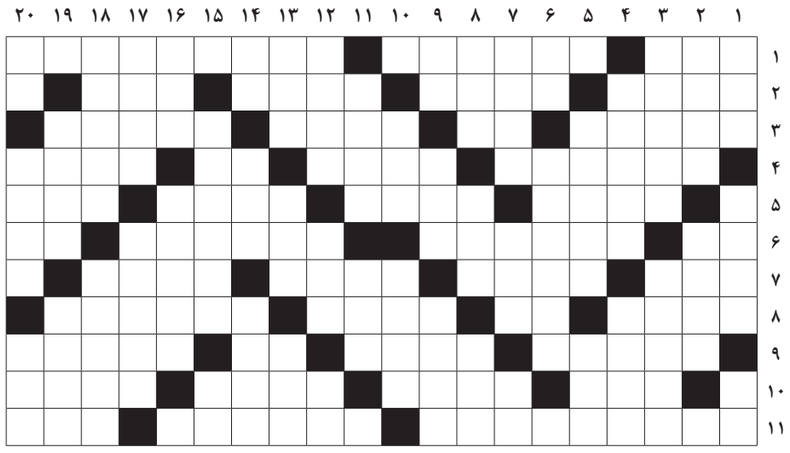

حل جدول شماره ۷۰۴۶